



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۹/۰۱/۱۲

عارف عباسی

جنگ نا فرجام و صلح ناپیدا!



به قول خبری از رادیو آزاد افغانستان مؤرخ ۸ جنوری، نمایندگان طالبان مذاکرات خود را با هیأت امریکا در دوهه قطع نموده و گفتند بعد از مشوره با مقامات ذیصلاح خود در باره دوام مذاکرات تصمیم خواهند گرفت. موضوعات متنازع فیه عبارت از اصرار ورزی طالبان در مذاکره نکردن با حکومت افغانستان، و اعلان آتش بس و معاوضه محبوسین است.

جلسه ریاض هم با ناکامی انجامید و نماینده صلح «آشتی انداز» امریکا، آقای زلمی خلیل زاد سفر های خود را به ممالک منطقه از سر گرفت.

همچنان آقای عمر داوودزی مشاور ارشد رئیس جمهور اشرف غنی غرض مذاکره با مقامات پاکستان روانه اسلام آباد گردید.

تاریخ گواهی می دهد که جمع شدن دور میز مذاکره بین دو کشور و یا یک کشوری با یک جریان مخالف مخصوصاً بعد از نبرد های خونین و مسلحانه مظهر حاکمیت تعقل و خرد سیاسی در یافتن راه حل معضله بوده و ادامه جنگ را خلاف منافع عامه، با ایجاد هراس، دلهره و دهشت و ناامنی، و عدوی علنی راحت و آسایش جسمانی و روانی و مصونیت بشر دانسته، به عوض آتش باری، خون ریزی و ویرانی دور یک میز جمع شدن و اختلافات را با تبادل نظر مفاهمه و مصالحه در فضای عاری از خشونت و زورگویی و تحمیل شرائط، مورد بحث قرار داده که اکثراً منتج به عقد یک توافقنامه گردیده و معضله حل شده.

و توقع انجام موفقانه یک مذاکره سیاسی صلح مستلزم موجودیت شرائط بنیادی و اساسی ذیل است:

- ۱- تساوی موقف در قدرت نظامی، سیاسی و اقتصادی جانیین مذاکره.
- ۲- طرفین مذاکره باید با یک عزم راسخ صادقانه و اراده قوی با خلوص نیت سیاسی برای یافتن راه حل معضله، که در این موضوع خاص ختم جنگ و تأمین صلح در افغانستان است، دور میز مذاکره بنشینند. ثبوت این موقف مستلزم برداشتن قدم های اولی با آوردن تغییر در طرز العمل است که به نام « بنیان گزاری اعتماد» یا «Confidence Building» یاد می شود. مثلاً اگر امریکا یک تعداد عساکر خود را از افغانستان

خارج می کند باید طالبان بالمقابل یک آتش بس شش ماهه را اعلام نمایند. تداوم حملات متواتر و قتل افراد

نظامی و ملکی در جریان مذاکرات صلح چه امیدواری و چه خوش بینی را بار می آورد؟

✚ ۱- طرفین باید و به طور حتمی از استقلال عمل و صلاحیت عام و تام اتخاذ تصمیم برخوردار

بوده مرجع دومی در آن ذیدخل نباشد. مگر مراجع بی طرف برای پا در میانی و وساطت.

✚ ۲- طرفین برای حصول مقاصد خود برای هر شرطی علی البدل داشته باشند.

تبصره بر تذکرات فوق:

در مورد ماده نمره ۱، چون طرف مذاکره طالبان امریکا است تا هنوز در موقف ضعیف نظامی و سیاسی قرار ندارد و امریکا حاضر شده برای صلح زمینه سازی کند و بعد از سالها ابقاء و رزیدن در مذاکره مستقیم با طالبان حالا تماس ها و مذاکرات مقدماتی را آغاز نموده، و نه امکان برگشت به سیاست قهر آمیز ترامپ با وارد آوردن فشار نظامی و اقتصادی بر پاکستان و تعقیب طالبان در پناهگاه های شان و حملات راکتی و هوایی بر این پایگاه ها که آدرس آن معلوم است برای امریکا میسر است.

امریکا گفت «در جنگ بُرد نیست»، یعنی برای هر دو طرف، ولی مثل ویتنام به شکست مواجه نشده.

در مورد ماده

• نمره ۲، باید گفت که بنا بر مداخله علنی پاکستان در صداقت نیت، گفتار و اعمال طالبان در مذاکره برای

ایجاد یک صلح ماندگار و پایدار شک و تردید موجود است.

• ماده نمره ۳، واقعیت های عینی، اسناد و مدارک مهم استخباراتی و تجارب عملی، همه گواه این حقیقت است

که طالبان یک وسیله ایست که توسط اداره استخبارات و قوای نظامی پاکستان ایجاد و تعلیم نظامی دیده و

مدارس دینی پاکستان برای شان عقیده بنیان گذاشته و آن ها را محسور ساخته. پاکستان با زمینه سازی و

کشاندن طالبان به مذاکرات مختلف برای شان اعتبار سیاسی کسب و سعی نمود که آن ها را به حیث یک

جریان خود جوش مستقل معرفی کند.

افراد پیاده نظام و عادی طالبان پرورده دامن مدارس و تحت قومانده و کنترول مقامات پاکستانی اند ولو که طالبی

ادعای رهبری و قوماندانی می کند. ولی در رده های بالایی کلان های طالبان سوداگران سیاسی بوده مصروف داد

و ستد اند، نظر به اسناد منتشره، ملا اختر محمد منصور رهبر سابق طالبان یک ثروتمند بوده دارای یک کمپنی سلیلر

فون بود و در حومه شهر کویت خانه های زیادی داشت.

خلاصه طالبان در قدم اول کدام تشکل مستقل سیاسی و یک نصب العین مشخص ندارند و ثانیاً صلاحیت اتخاذ هیچ

نوع تصمیم را نداشته و فرمان بردار دساتیر پاکستان اند. هر جریان مخالف در کشوری مردم پرور بوده برای کسب

حمایت مردم خدماتی انجام می دهند اما طالبان به جز رخ زور، دهشت افگنی، خون ریزی و ویرانی چیز دیگری به

مردم افغانستان نشان نداده اند.

اگر پاکستان اندر خیال تغییر موقف و سیاست خود باشد امیدی برای یافتن راه حل است.

در مورد ماده نمره ۴ باید اذعان داشت که در جمیع جلسات و کنفرانس ها از صلحی تذکر رفته که توسط خود افغان

به رهبری افغان باشد بدین معنی که در برابر طالب نماینده افغانستان باید در جلسات حضور داشته باشد.

اگر طالب از مذاکره با حکومت فعلی ابراء می ورزد چه پیشنهادی دارد؟

○ علی البدل چیست؟ که وضاحت ندارد،

○ با کی مذاکره می کند؟

اگر حکومت نی آیا یک هیأت مشتمل از وکلای ولسی جرگه و مشرانو جرگه را قبول دارند؟ خواست طالب مشخص نیست. اگر این حکومت گماشته اشغالگر است پس ولی نعمت و حامی طالب کیست؟ و خود از کدام استقلال برخوردار است؟

هم وطن محترم و معزز!

من این مطالب را نوشتم ولی اعتراف می کنم که فاقد معلومات ثقه و دقیق در عمق سیاست امریکا است و تا هنوز به پس خانه اسرار سیاسی امریکا راه نیافته ام.

من نمی دانم که سیاست طویل المده امریکا در مورد افغانستان و منطقه چیست؟

من نمی دانم که فرو رفتن پای امریکا در این گودال بلعنده سهو، خطاه و اشتباه بوده و یا بر اساس یک طرح سنجیده شده

(گرچه خود معتقد به فرضیه اول استم).

همچنان من نمی دانم که شاید اصرار ورزی طالبان در مذاکره نکردن با حکومت فعلی به توصیه امریکا باشد با عواقب غیر قابل پیش بینی. به هر حال موضوعی است قابل مباحثه.



تذکر: هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نبشته ها و مطالب دیگری از این نویسنده معزز و میهن پرست را مطالعه کنند، می توانند با "کلیکی" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به "ارشیف" شان رهنمائی شوند.

جنگ نا فرجام و صلح ناپیدا!

[A_abasi_jang_e_naafarjaam_solhe_naapaydaa.pdf](#)